

## ضعف دموکراسی : کارتون ها در شرق و عبدالرحمان در غرب!

مسئله مسیحی شدن یک افغان به نام عبدالرحمان و محاکمه او در افغانستان که انتظار می رفت حکم اعدامش را به دنبال داشته باشد توجه دنیا را به خود جلب نمود و مسؤولین حکومت افغانستان را مصروف جواب دهی به مقامات عالیرتبه اروپایی و امریکایی و تسلی خاطر آنان از ختم این مسئله به بهترین وجه ممکن آن کرد. گزارش محاکمه این شخص، اخبار مربوط به تغییر کابینه و معرفی وزرای جدید را که به قول تحلیل گران سیاسی یک تحول غیر مترقبه در اوضاع سیاسی افغانستان محسوب میشود به کنار زد و در صدر اخبار جهان قرار گرفت. سفارت های افغانستان در ممالک مختلف بیش از هزاران ایمیل مملو از همدردی با عبدالرحمان و بعضاً شدیدالحن در مورد قوانین اسلامی این کشور و محاکمه این شخص دریافت کردند. در سفارت افغانستان مقیم شهر واشنگتن دی سی عده ای به تظاهرات برای اعتراض به سیستم حکومتی افغانستان و قوانین مدنی، قضایی و احترام به دموکراسی و نهایتاً برای آزادی این شخص با در دست داشتن شعار های چون "عبدالرحمان را آزاد کنید" و "مسیحیت جرم نیست" پرداختند.

فشار های بین المللی جهت آزادی این شخص از جانب عالیرتبه گان ممالک چون اضلاع متحده امریکا، آلمان، بریتانیا و کانادا بر افغانستان آغاز گردید. این ممالک که در افغانستان به دلیل داشتن نیروهای نظامی و کمک های مالی نقش حیاتی را در انکشاف و امنیت افغانستان و منطقه بازی می کنند، از نفوذ و حاکمیت خود بر این کشور واقف بوده و از آن برای تاثیر گذاری بر این محاکمه استفاده کردند. چنانچه آلن سیمپسون از حزب حاکم بریتانیا در مصاحبه ای با رادیو بی بی سی می گوید: " این وظیفه دولت بریتانیا نیست که در افغانستان حضور داشته باشد و از دولتی دفاع کند که قوانین بی رحمانه مورد انتقاد جامعه جهانی در آن اعمال می شود." کاندالیزا رایس " وزیر خارجه اضلاع متحده نیز طی سخنانش با خبرنگاران گفت که "مسئله محاکمه عبدالرحمان را در بالاترین سطح و با قاطعانه ترین لحن مطرح کرده است." "استفن هارپر" صدراعظم کانادا نیز با رئیس جمهور افغانستان صحبت کرده و به خبرنگاران گفت که "رئیس جمهور به وی اطمینان داده که عبدالرحمان اعدام نخواهد شد."

این حادثه فقط چند ماه بعد از واقعه چاپ کارتون های پیامبر اسلام در روزنامه های اروپایی اتفاق می افتد. جالب اینجاست که در آن واقعه به مسلمانان تحت عنوان آزادی بیان و دموکراسی اهانت شد و در این واقعه در یک کشور سنتی دارای قوانین دموکراسی به عقاید مسیحیان.

گرچه بحث دموکراسی و آزادی بیان مُد روز و قصه دور دسترخوان است. اما این دو واقعه در ذهن بیننده خلاق این سوال می گردد که آیا می توان دموکراسی را، که امروز در گوشه و کنار جهان به خاطر گسترش آن جنگ برپا شده است، به شکل جامع آن به دنیای امروز مطابقت داد؟ اگر بله، پس چرا ممالک مسلمان با دموکراسی های تازه به پا خواسته و ممالک جهان اول که خود را خالق این پدیده می خوانند بی باکانه به اساسی ترین و حساس ترین قوانین آن برای کسب اهداف خود پشت پا می زنند.

بیانید نظری به تحولات نوینی که دنیا با آن رو به روست بیاندازیم:

مسلمانان در ممالک دارای "دموکراسی نو بنیاد" بعد از نشر کارتون های مملو از اهانت، به تمامی قوانین دموکراسی برای دفاع از دین و عقاید خود پشت پا زده و به حکومت دنمارک اخطار محاکمه ناشران این کارتون ها را دادند. در عین زمان، ممالک اروپایی که پیامبران و محدثین دموکراسی شمرده می شوند، در محاکمه عبدالرحمان از قوانین دموکراتیک، که حاکمیت یک کشور را مشروع خوانده به آن احترام می گذارد و استفاده از تهدید و زور را برای تاثیر گذاری بر تصامیم یک کشور محکوم می کند، گذشتند و حکومت افغانستان را تهدید نمودند که مجازات عبدالرحمان نتیجه خوبی را برای افغانستان به دنبال خواهد داشت. این تهدید ها به نتیجه مثبت آزادی و سفر این شخص به ایتالیا انجامید.

این وقایع بیانگر این حقیقت است که دموکراسی را نمی توان یک پدیده بین المللی کامل و جامع برای حل مشکلات جهان و دوا درد های بی درمان ممالک دانست. در عین زمان این حوادث به ثبوت می رساند که سیستم دموکراسی

نیز یک سیستم بین المللی نبوده و نمی توان آنرا، بدون تغییر، تبدیل و یکسان، در تمامی ممالک گسترش داد. "صدور دموکراسی" به ممالک بدون در نظر داشت کلتور، مذهب و اساسات آن کشور از قبیل وضعیت اجتماعی اقتصادی و سیاسی و حتی جزئی ترین مسایل مثل محل جغرافیایی یک کشور اشتباه بزرگ بوده و موفق نخواهد شد. این "صدور دموکراسی" را می توان دلیل درگیری های اخیر در ممالکی چون عراق پاکستان و افغانستان دانست. به همین دلیل، اعمال دموکراتیک یک حکومت دموکراسی می تواند در انظار مردم دموکراتیک یک کشور دیگر محکوم باشد و حکومت دموکراسی که رهبران آن شاید به مزاج خودشان دموکرات باشند در ذائقه و انظار دیگران منحنی دیکتاتور محکوم شوند.

نقطه قابل بحث دیگر در مورد پدیده دموکراسی، به گفته "صادر نمودن آن" به کشوری و ابلاغ آن در اسره وقت است، که این خود نیز بر اساس تجاربتیکه در حال حاضر جهان با آن روبرو شده است غیر ممکن است. گسترش و رشد یک سیستم دموکراسی در جوامع محتاج وقت و زمان، فهم اساسات و ارکان این پدیده و آمادگی روحی مردم این جوامع برای پذیرش آن می باشد. برای روی کار آوردن یک رژیم دموکراسی و تامین آن، یک جامعه محتاج مدت زمان کافی جهت آگاهی عامه از طریق تحصیل و آموزش و برطرف نمودن مشکلات و تشنجات موجود در جامعه چه از لحاظ اقتصادی و چه سیاسی می باشد به این معنی که با شکم گرسنه نمی توان دموکراتیک بود و یا با زندگی در یک جنگ داخلی نمیتوان به همه حق و حقوق مساوی داد. مردم در یک کشور گرسنه و دارای جنگ داخلی، منحنی مثال، می توانند به آسانی قوانین دموکراسی را نادیده گرفته از آن تخطی نمایند. بناء محیط یک جامعه باید آمادگی پذیرش این پدیده را داشته و به آن وقت کافی برای گسترش آن داده شود. باز هم مثال عبدالرحمان و کارتون ها به ذهن خطور می کند که ممالک اسلامی که قسماً دارای دموکراسی اند از قوانین آن برای جلوگیری از اهانت به مقدسات خود گذشتند و در عین زمان ممالک اروپایی و امریکایی که در طی چندین دهه پیروان این پدیده به شمار می روند نیز روی به تهدید یک کشور دیگر آوردند. این عکس العمل یکسان نشان می دهد که برای اجرای دموکراسی و قوانین آن هنوز هم جهان محتاج مدت زمان بیشتر و افهام و تفهیم بین المللی می باشد تا ممالک به جای تهدید یک دیگر از مذاکره برای حل مشکلات استفاده نمایند.

نقطه دیگری که حوادث کارتون ها و عبدالرحمان به میان می آورد نوعیت دموکراسی است. دموکراسی نمی تواند فقط یک نوع باشد یعنی قوانین دموکراسی گونه یک کشور نمی تواند معیار دموکراسی را در جهان اساس نهاده و به تمامی ممالک به شکل یکسانی گسترش یابد. هر کشور از خود دارای اعتقادات و کلتور مخصوص به خودش بناً آنچه تحت آزادی بیان در یک کشور موجب ابراز عقاید گوناگون می شود در یک کشور دیگر دموکرات بی حرمتی تلقی شده و قابل برداشت نیست و آنچه در یک کشور دموکراتیک منحنی آزادی انتخاب ادیان مورد احترام است باز هم در ممالک دیگر به دلیل اهانت به عقاید قابل قبول نخواهد بود. این خود بیانگر آنست که دموکراسی نمی تواند اساس یک کشور را از بیخ و بن تغییر و تحول دهد بلکه دموکراسی باید سعی در زدودن تدریجی بعضی از این عقاید جزیی و یا خرافات موجود را به شکل تدریجی همراه با آموزش و تعلیم مردم بنماید. باید به خاطر داشت که تحول یک رژیم از عقاید دیگر سیاسی به دموکراسی شاید به ده ها سال انجامد که باید با اصطلاحات سیاسی اقتصادی و اجتماعی همراه باشد و در ظرف یکسال و دو سال جامعه بین الملل نباید، فقط در عرض یک سال یا دو سال، انتظار عکس العمل ها و تصامیم دموکراتیک آن کشور را داشته باشد.

با در نظر داشت تحولات نوین در دنیا می توان به آسانی گفت که سیستم دموکراسی در هیچ کشوری، آنطوری که مکتب آن این نظریه سیاسی را تشریح می کند، اجرا نشده است و تمامی ممالکی که خود را "دموکراتیک" می نامند وقتی به پای میز مذاکره می روند به فواید سیاسی اقتصادی و ارزش های دینی و اجتماعی خود ارزش بیشتری نسبت به قوانین دموکراسی قایل می شوند.

شاید کارتون ها و عبدالرحمان هر دو نمونه جالبی برای اثبات این ادعا، که دموکراسی به شکل کل در هیچ کشوری رعایت و اجرا نمی شود، باشد. ممالک جهان سوم به خاطر اعتقادات خود تظاهرات و آتش سوزی به راه انداختند و ممالک جهان اول مؤدبانه یک کشور را تهدید به قطع کمک مالی و نظامی برای کسب اهداف خود نمودند. در این میان دموکراسی که زیر لوای نامش همه این اعمال شکل گرفته و اجرا می شود در گوشه ای نشسته و زار زار به بدنامی خود می گریست.

پایان